

نگارخانه

فصلنامه علمی

وابسته به بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)

سال سوم، بهار ۱۴۰۲

شماره هشتم

- قلمرو آزادی در فقه، اخلاق و رسانه / سید محمد حسینی دره‌صوفی
- نقش مباشر و سبب در ارتکاب جرم قتل / محمد علی علی‌دادی
- تاثیر خانواده بر اخلاق و شخصیت افراد / ابراهیم افتخاری
- گونه‌های بهره‌گیری از فقه در حل تعارضات اخلاقی / سید رضی قادری
- سیر تاریخی زناشویی تا به اسلام / جعفر ناطقی
- ملاک تقویم مال و چالش‌های قرار وثیقه غیر نقدی / محمد آصف افتخاری
- مشروعیت اطاعت از مافوق در دستگاه اداری از منظر فقه اهل‌بیت / سید رضا علوی

عنوان: فصلنامه علمی نسیم کوثر
مدیر مسئول و سردبیر: سید محمد حسینی دره صوفی
ویراستار: سید محمد نقوی
گرافیسیت: سید محمود محسنی
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
قیمت: ۳۰,۰۰۰ تومان
صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)
شماره تماس: ۰۰۹۸۹۳۵۳۹۶۹۷۷۶
سایت فصلنامه: nasimekosar.blog.ir
ایمیل: nasimkosar1399@gmail.com
دفتر مرکزی و محل چاپ: ایران: قم، شهر قائم، ۱۲ متری شهید رجایی، پلاک ۵۲، واحد سوم

راهنمایی نویسندگان و شیوه نامه نگارش فصلنامه علمی نسیم کوثر

۱. مقاله قبلا در نشریه دیگری به چاپ نرسیده یا همزمان برای سایر مجلات ارسال نشده باشد.
۲. مقاله دارای عنوان، چکیده به زبان فارسی، واژگان کلیدی، مقدمه، متن اصلی، نتیجه گیری، منابع و ماخذ باشد.
۳. مقاله در برنامه word و باقلم IR lotus و اندازه ۱۴ نازک بوده. و عنوان مقاله با قلم B Titr و اندازه ۱۴ تایپ شود.
۴. حجم هر مقاله حداقل ۱۲ و حداکثر ۲۲ صفحه باشد.
۵. کلمات کلیدی بین ۴-۷ کلمه و بصورت فارسی باشد.
۶. چکیده فارسی، از ۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه باشد.
۷. عناوین اصلی و فرعی شماره بندی چند سطحی شود و هیچ عنوان بدون شماره نباشد.
۸. معادل انگیسی اصلاحات و مفاهیم علمی رایج پانویس شود.
۹. ارجاع به منابع درون متنی باشد. داخل پرانتز، نام خانوادگی، سال انتشار و شماره صفحات ذکر شود. مثال (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۶، ۱۰۰).
۱۰. فهرست منابع و ماخذ، به ترتیب الفبای نام خانوادگی نویسندگان، باشد (الف). کتابها: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال انتشار، عنوان کتاب، (بصورت توپر)، نام خانوادگی مترجم یا مصحح، نام مترجم یا مصحح، شماره جلد، محل انتشار و ناشر. مثال: هارت، هربت، ۱۳۹۰، مفهوم قانون، راسخ، محمد، تهران، نشر نی.
- ب). مقالات: نام خانوادگی، نام، سال انتشار، عنوان مقاله، (بصورت توپر)، نام مجله، شماره مجله و شماره صفحات اول و آخر مقاله. مثال: رضایی، محسن، ۱۳۸۵، روش تجربی، فرهنگ مدیریتی سال چهارم، شماره دوازدهم، ۱۷۲، ۱۸۹.
۱۱. در زیر عنوان مقاله اسم نویسنده یا نویسندگان و در قسمت پاورقی ایمیل و سمت پژوهشگر و همچنین مشخص نمون نویسنده مسئول. (به عنوان مثال حسینی، سید محمد، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه، قم).
۱۲. مقالات بیانگر آرا و نظرات نویسندگان است و فصلنامه نسیم کوثر مسئولیتی ندارد.
۱۳. نقل مطالب نشریه با ذکر منبع بلامانع است.

اعضای هیأت تحریریه:

۱. سید محمد حسینی دره صوفی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، نخبه و پژوهشگر برتر در دانشگاه بین المللی المصطفی. قم
۲. دکتر سید رضی قادری، دکتری فلسفه اخلاق از دانشگاه باقر العلوم، سطح چهار فقه و اصول حوزه، استاد سطوح عالی حوزه. قم
۳. محمدعلی علیدادی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه. قم
۴. محمد اسماعیل حلیمی، دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، جامعه المصطفی العالمیه. قم
۵. حفیظ الله محمدی، سطح چهار، دانشگاه خاتم النبیین. کابل
۶. قربانعلی مبلغ. کارشناسی ارشد فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه. قم.

نقش مباشر و سبب در ارتکاب جرم قتل

محمدعلی علی دادی^۱

چکیده

واژه مباشر در لغت و اصطلاح به معنی کسی که کار را بدون واسطه انجام داده باشد. واژه سبب در لغت به معنی طناب آمده و در اصطلاح فقهاء در تعریف آن نظر واحدی وجود ندارد و به طور کلی سبب چیزی است که از نبود آن، علت تحقق پیدا نمی کند. فقهای امامیه معتقدند بر اساس قاعده کلی اگر مباشر و سبب اجتماع کنند مباشر ضامن است مگر اینکه مباشر جاهل باشد، سبب مسئول است. اگر سبب اقوی از مباشر باشد، سبب ضامن است. و اگر چند مباشر اجتماع کنند، ضمانت به عهده مباشر قوی تر است. اگر اسباب اجتماع کنند، فقها اختلاف نظر دارند؛ برخی گفته اند در فرض اول همه مسئول هستند چون ترجیح ممکن نیست و در فرض دوم مسئولیت به عهده کسی است که به تولید جنایت سبقت گرفته. مشهور معتقدند مسئولیت به عهده کسی است که در ایجاد جنایت سبقت گرفته. بنابر قول اظهر ضمانت به عهده همه هستند مگر اینکه یکی از آنها تعدی در جنایت کرده باشد، آن وقت مسئولیت به عهده متعدی است. مبانی و مستندات فقها در مسئولیت مباشر، قاعده اتلاف، اتفاق و اجماع هستند و نیز در مسئولیت سبب، مبانی و مستندات مهم فقها، روایاتی است که از معصومین (ع) نقل شده اند.

کلید واژه‌گان: مباشر، سبب، مسئولیت و قتل.

۱. مقدمه

یکی از مباحث پیچیده و مشکل در مسائل فقهی در باب قصاص؛ مسأله مباشر و سبب است.

در ارتکاب جرم اشخاصی که مباشر یا سبب هستند در مقام مجازات یا جبران ضرر و زیان خسارات وارده بر مجنی علیه، نتیجه عمل یکسان نیستند و کاملاً متفاوت است. لذا برای اینکه مسأله واضح بشود لازم است که اول «مباشر» و «سبب» درست و دقیق تعریف بشود، بعد ابعاد مسأله از زاویه‌های مختلف تحلیل و بررسی شود. پس ارتکاب جرم در خارج محقق می‌شود مثل قتل عمد یا شبه عمد یا خطاء محض یا جراحات این‌ها به چند صورت قابل تصور است:

صورت اول: مباشر به تنهای مرتکب جرم شده است؛ در این صورت هیچ کسی دیگری مسئول پرداخت غرامت نخواهد بود به جزء جانی که مباشر است.

صورت دوم: مباشر ممکن است چند نفر باشند مثال اینکه سه نفر ضارب هستند به این صورت که هر کدام یک ضربه چاقو به گردن مضروب زده است، و مجنی علیه هم فوراً فوت کرده است؛ در این فرض معلوم است که همه باهم مرتکب قتل عمد شدند. چون آلت کشنده است، قصد قتل و فعل هم وجود دارد به دلیل اینکه اگر این‌ها قصد کشتن طرف مقابل را نداشتند شاه رگ مجنی علیه را نمی‌زند مثلاً چاقو را به دست و پا یا موضوعی که باعث مرگ انسان نشود؛ فرو می‌کردند نه به گردن مضروب یا قلب طرف. پس معلوم می‌شود که آن‌ها قصد کشتن طرف مقابل را داشتند.

صورت سوم: اجتماع مباشر و سبب هنگام ارتکاب جرم است؛ مثل اینکه یکی مجنی علیه را به خان‌هاش دعوت کرده یا طرف را در مکان ارتکاب جرم کشانده و آن زمان مباشر یعنی جانی حاضر شده و طرف را به قتل رسانده. در این صورت هم بحثی نیست و مسأله تقریباً روشن است؛ چون قاتل کسی است که مرتکب قتل شده است. اما آن‌که مجنی علیه را به مکان ارتکاب جرم کشانده، سبب است؛ یعنی کسی که زمینه جرم را فراهم کرده است؛ چون اگر آن شخص مجنی علیه را دعوت به مکان جرم نمی‌کردن، ممکن بود قتل اتفاق نمی‌افتاد. لذا آن زمینه جرم را تسهیل کرده.

نقش مباشر و سبب در ارتکاب جرم قتل * ۴۱

این مسأله ممکن است فروض مختلف داشته باشد:

۱. هنگام ارتکاب جرم؛ مباشر اقوی از سبب است.
۲. در زمان انجام جرم مباشر و سبب مساوی هستند.
۳. حین ارتکاب جرم سبب اقوی از مباشر است؛
۴. اجتماع دو مباشر برای ارتکاب جنایت؛ چند نفر با هم بدون واسطه مرتکب قتل عمد شدند.

۵. اجتماع اسباب برای ارتکاب جرم چند نفر تحت عنوان اسباب باعث شدند که جنایتی اتفاق بیفتد.

البته فروض مسأله آنجای است که اکرا و العجا و... وجود نداشته باشد؛ یعنی مورد بحث از جهت مختار بودن مباشر و سبب است.

بنابراین، مسأله مباشر و سبب از ابعاد مختلف قابل بحث و تحلیل است و نظرات متخلف مطرح شده است و معرکه آراء دانشمندان اسلامی واقع شده‌اند. پس ضرورت بحث اقتضادارد که مسأله در فروض مختلف روشن شود؛ کدام مسئول است؟ آیا مباشر ضامن است؟ یا سبب ضامن است؟ البته مسأله بین مباشر و سبب از جهت اکراه و اختیار شقوقی دیگری پیدا می‌کند که وارد آن بحث نمی‌شوم؛ چون تحقیق جداگانه لازم دارد که خارج از ظرفیت این مقاله است. لذا پردازش بیشتر این مقاله در همین فروض مذکور اختصاص یافته است که بین فقهاء معرکه آراء شده‌اند. در این زمینه چند سؤال مطرح می‌شود. در فرض تساوی بین مباشر و سبب؛ آیا مباشر مسئول قتل است یا سبب؟ در فرض که مباشر اضعف از سبب باشد، آیا مباشر مسئول است یا سبب؟ در صورت تساوی میان مباشر و سبب، کسانی که قائل شدند مباشر مسئول است؛ دلیل آن‌ها چیست؟ در فرضی که مباشر ضعیف‌تر از سبب است، آیا امکان دارد که بگوئیم مباشر مسئول اصلی است؟ مثلاً در موردی که جنایت قتل باشد بپذیریم که مباشر قاتل است و قصاص بشود؛ در حالیکه مباشر ضعیف‌تر از سبب است. اگر این مسأله قابل اثبات باشد؛ دلیل چیست؟

۲. مفهوم شناسی

مفهوم «مباشر» عربی است و از «بشر» گرفته شده است. در لغت به معنی شخصی که

کاری را بدون واسطه و به تنهای انجام داده باشد؛ استعمال شده است. در این زمینه صاحب المحیط، فراهیدی و جوهری می‌گویند: «مُبَاشَرَةُ الأَمْرِ: أَنْ تَحْضِرَهُ بِنَفْسِكَ.» (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴: ج ۷، ص ۳۳۰؛ فراهیدی، ۱۴۱۰: ج ۶، ص ۲۵۹؛ جوهری، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۵۹۰).

در این راستا محمود معنی روشن‌تری ارائه کرده است و می‌گوید مباشر انجام دادن کاری بدون واسطه دیگری، مثل حرکت دادن دست: «المباشرة: كون الحركة بدون توسط فعل آخر كحركة اليد.» (محمود، بی‌تا: ج ۳، ص ۲۰۴).

اما لغویین واژه «سبب» را به معنی طناب استعمال کرده است. همان طور که صاحب المحیط و فراهیدی می‌گویند: «السَّبَبُ: الحَبْلُ.» (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴: ج ۸، ص ۲۵۴؛ فراهیدی، ۱۴۱۰: ج ۷، ص ۲۰۳).

در این راستا جوهری معنی جامع‌تری ارائه داده است و ایشان می‌گوید سبب طناب است؛ و نیز هر چیزی که به وسیله آن بتواند به چیزی دیگر برسد. «والسبب: الحبلُ. و السَّبَبُ أيضاً: كلُّ شيءٍ يَتَوَصَّلُ به إلى غيره.» (جوهری، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۱۴۵).

راغب اصفهانی در این زمینه سبب را معنی بهتری کرده است و ایشان می‌گوید: سبب طنابی است که بوسیله آن از روی درخت خرما بالا می‌رود. «السَّبَبُ: الحبل الذي يصعد به التخل،» (اصفهانی، ۱۴۱۲: ص ۳۹۱).

تعریف «مباشر» و «سبب» در اصطلاح فقهای امامیه، مباشر کسی است که جرم را بدون واسطه در خارج انجام داده باشد مانند قاتل و مقتول. (مرعشی، ۱۴۱۵: ج ۱، ص ۵۲؛ عاملی، ۱۴۱۴: ج ۴، ص ۳۰۷؛ شریف، ۱۴۰۵: ج ۲، ص ۲۸۱).

صاحب جواهر در این باره می‌نویسد: مباشر ایجاد علت تلف است مانند قتل و احراق... اما سبب آن چیزی است که در تولید جرم مؤثر است.^۲ (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۳۷، ص ۴۸). ایشان در ادامه بحث می‌فرماید: فقها از سبب تعبیر می‌کنند اما در تعریف آن، اختلاف دارند.^۳ (همو، همان، ج ۳۷، ص ۴۸).

۱. «و تتحقق الجنایة فی الخارج من دون واسطة بین القاتل و المقتول، فهو الذي يعبر عنه بالمباشرة»

۲ - «و المباشرة هي ایجاد علة التلف، كالقتل و الإحراق... و أما السبب فهو ما له أثر ما فی التولید،»

۳. «نعم عبر الأصحاب عما فیها بالسبب و اختلفوا فی تعریفه»

نقش مباشر و سبب در ارتکاب جرم قتل * ۴۳

علامه حلی در کتاب قواعد می نویسد: هر تلفی که به علت غیر حاصل بشود سبب است، اگر آن سبب نبود علت تأثیر نداشت مانند حفر چاه پوشیده. ^۱ (حلی، ۱۴۱۳: ج ۳، ص ۶۵). فخرالمحققین در کتاب ایضاح می نویسد: سبب چیزی است تلف حاصل می شود لکن به علت دیگر اگر سبب همین علت را قصد کرده باشد تحصیل آن انتظار می رود مانند حافر. ^۲ (حلی، ۱۳۸۷: ج ۲، ص ۱۶۵). شهید ثانی می نویسد: هر فعلی که تلف بوسیله آن حاصل شود، سبب است مانند حفر چاه در زمین غیر. ^۳ (عاملی، ۱۴۱۳: ج ۱۲، ص ۱۶۲). بنابراین، در حقیقت سبب است که علت مؤثر واقع می شود، اگر سبب نباشد علت نقش در تولید جنایت ندارد، پس معلوم می شود که سبب از حیث رتبه مقدم بر علت است. لذا صاحب جواهر می فرماید: دیگران در تعریف سبب اضافه کرده اگر سبب نبود علت تأثیر نداشت. ^۴ (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۳۷، ص ۴۹). علامه معتقد است: قاعده کلی در سبب این است، اگر سبب نباشد جرم محقق نمی شود. ^۵ (حلی، ۱۴۱۸: ج ۲، ص ۳۰۶).

۳. دیدگاه فقهای امامیه در مبحث مباشر و سبب

در مورد اجتماع مباشر و سبب در منابع فقهی به سه حالت قابل تحلیل و مطالعه است. در اینجا این صور به طور جداگانه مورد بررسی و مذاقه قرار گرفته است.

۳-۱. قاعده کلی در مبحث مباشر و سبب

در صورت دخالت سبب و مباشر در ورود خسارت و زیان این است که مسئولیت با مباشر است مگر اینکه اکراه یا غرور واقع شده باشد در این صورت ضمان بر غار و مُکیره

۱. «السبب هو کلّ ما يحصل التلف عنده بعلّة غيره، إلا أنّه لولاه لما حصل من العلة تأثیر كالحفر مع التردّي»

۲. «التسبیب و هو إيجاد ما يحصل التلف عنده لكن بعلّة أخرى إذا كان السبب مما يقصد لتوقع تلك العلة كالحافر»

۳. «التسبیب. هو کلّ فعل يحصل التلف بسببه، كحفر البئر في غير الملك»

۴. «وزاد آخرون: و لولاه لما أثرت العلة،»

۵. «في التسبیب ضابطه: ما لولاه لما حصل التلف،»

هستند.^۱ (محقق حلی، ۱۹۸۴: ص ۲۵۷؛ نجفی، ۱۴۰۴: ج ۳۷، ص ۵۴؛^۲ خمینی، بی تا: ص ۵۶۹؛^۳ عاملی، ۱۴۱۳: ج ۱۲، ص ۱۶۴؛^۴ حلی، ۱۴۱۸: ج ۲، ص ۳۰۳؛^۵ خویی، ۱۴۲۲: ج ۲، ص ۳۲۰). بر اساس قاعده اگر کسی چاهی را حفر کند و دیگری شخص سوم را در چاه اندازد مباشر یعنی کسی که شخص سوم را در چاه انداخته مسئول است و در این مسأله ادعای اجماع مطرح گردیده و از مسلمات فقهی دانسته شده است. در توجیه مسئولیت مباشر شده است: «عقلاً و نقلاً اسناد فعل به علت نزدیک عنوان شده و نه علت بعیدی که سبب است، واضح و آشکار است و شکی نیست که مباشر نزدیک تر از سبب است بلکه سبب در واقع از وسایل مباشر، در مباشرت است». (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۳۷، ص ۵۴). فاضل آبی می نویسد در تراجم موجبات هنگام که مباشر و سبب اتفاق کنند سبب ضامن است مانند دافع با حافر و ممسک با ذابح.^۶ (آبی، ۱۴۱۷: ج ۲، ص ۶۴۹).

محقق حلی می نویسد هنگام که سبب و مباشر اجتماع کنند مباشر مقدم در ضمان بر ذی سبب است مانند کسی که چاهی را در زمین غیر حفر کند و عدواناً شخص را در آن چاه اندازد پس جبران خسارت جنایت وارده بر عهده دافع است.^۷ (حلی، ۱۴۰۷: ج ۳، ص ۱۸۶). و ایشان در جای دیگر می نویسد اگر مباشر و سبب اجتماع کنند ضمان بر مباشر است.^۸ (همو، ۱۴۱۱: ص ۲۰۰؛ همو، ۱۴۲۰: ج ۴، ص ۵۲۳). البته مسئولیت بر عهده مباشر هنگامی است که مباشر

۱. «وَلَوْ اجْتَمَعَ الْمُبَاشِرُ وَالسَّبَبُ ضَمِنَ الْمُبَاشِرُ إِلَّا مَعَ الْإِكْرَاهِ أَوْ الْعُرُورِ فَيَسْتَقِرُّ الضَّمَانُ عَلَى الْغَارِّ وَعَلَى الْمَكْرُوهِ»

۲. «إذا اجتمع السبب و المباشر فمع مساواتهما أو كان المباشر أقوى ضمن المباشر،»

۳. «إذا اجتمع السبب و المباشر، قَدِمَ المباشر في الضمان على ذی السبب،»

۴. «فضابطها الإلتلاف لا مع القصد: فالطبيب يضمن في ماله من يتلف بعلاجه.»

۵. «إذا كان أحد شخصين مباشراً للقتل و الآخر سبباً له ضمن المباشر،»

۶. «في تراجم الموجبات: إذا اتفق المباشر و السبب ضمن المباشر كالدافع مع الحافر، و الممسك مع الذابح.»

۷. «إذا اجتمع السبب و المباشر قدم المباشر في الضمان على ذی السبب كمن حفر بئراً في ملك غيره عدواناً فدفع غيره فيها إنساناً فضممان ما يجنيه الدفع على الدافع.»

۸. «و لو اجتمع المباشر و السبب كان الضمان على المباشر.»

نقش مباشر و سبب در ارتکاب جرم قتل * ۴۵

شرایط عامه‌ی تکلیف را داشته باشد مانند مالک، بالغ، عاقل، قاصد، مختار، جایز التصرف، ناو و...^۱ (همو، ۱۴۱۳: ج ۳، ص ۲۲۴؛ همو، ۱۳۸۷: ج ۳، ص ۵۴۴؛ عاملی، ۱۴۱۴: ج ۳، ص ۳۶۰؛ عاملی شهید ثانی، ۱۴۱۴: ج ۳، ص ۳۶۰). در شرایط مباشر فاضل هندی ادعای وفاقاً للمشهور را دارد ولی شیخ طوسی (ره) مخالفت کرده.^۲ (هندی، ۱۴۱۶: ج ۸، ص ۴۳۳).

۳-۲. اقوی بودن سبب از مباشر

بر اساس قاعده کلی مسئولیت به عهده مباشر است ولی گاهی نقش سبب قوی‌تر از مباشر در تولید جنایت است و نقش تعیین‌کننده در ورود خسارت را دارد که در این فرض مسئولیت جبران خسارت به عهده سبب است و فقهاء در این مسأله اتفاق نظر دارند.^۳ (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۳۷، ص ۵۷؛ محقق حلی، ۱۴۱۳: ص ۲۵۷؛ خمینی، بی‌تا: ۵۶۹) بر این اساس اگر مباشر به حال سبب جاهل باشد سبب ضامن است^۴ (حلی، ۱۴۱۰: ص ۴۴۸). پس در فرض قوی بودن سبب، ذمه سبب به ضمان مشغول می‌شود و مباشر شریک در ضمان نیست مانند حالتی که شخص مباشر تحت غرور یا اکراه قرار گرفته باشد. (العاملی، ۱۳۸۴: ج ۲، ص ۱۸۹؛ نجفی، ۱۳۷۴، ج ۳۷، ص ۵۷). علامه حلی می‌نویسد: اگر مباشر و سبب اجتماع کنند، پس گاهی سبب غلبه دارد نسبت به مباشر مانند اینکه قاضی به شهادت چند نفر دروغ‌گو حکم قصاص را صادر کند در این فرض شهود قصاص می‌شوند.^۵ (ج ۲، ص ۱۹۶؛ فقعی، ۱۴۱۸: ص ۳۲۰). البته این مسأله در فرضی قابل تطبیق است که کشف خلاف شود.

پس در این فرض اختلاف بین فقهای امامیه وجود ندارند و همه‌ی آنها اتفاق آراء دارند که جبران خسارت بر عهده سبب است نه مباشر چون سبب اقوی از مباشر است.

۱. «مالک، بالغ، عاقل، قاصد، مختار، جایز التصرف، ناو.»

۲. «فی المباشر و هو کل مالک بالغ عاقل قاصد.... وفاقاً للمشهور و خلافاً للشیخ؛»

۳. «لأن المباشرة ضعفت مع الإكراه، فكان ذو السبب هنا أقوى بلا خلاف أجده في شيء من ذلك»

۴. «و لو جهل المباشر ضمن المسبب،»

۵. «و إن اجتمع المباشر و السبب، فقد يغلب السبب: بأن تباح المباشرة، كقتل القاضي مع شهادة الزور، فالقصاص على الشهود.»

۳-۳. تساوی نقش مباشر و سبب در تولید جرم و خسارت

همان طور که به عنوان قاعده کلی در مورد اجتماع مباشر و سبب، تقدیم مباشر بر سبب است، البته از این قاعده کلی صورتی مستثنی گردیده که قوی تر بودن سبب از مباشر اثبات شود. بنابه قول فقها در فرض اجتماع سبب و مباشر هنگامی که مباشر قوی تر است و یا هر دو مساوی هستند مباشر ضامن است. (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۳۷، ص ۵۴؛ خمینی، بی تا: ص ۵۶۹). ظاهراً این نظر بر اجماع فقها متکی گردیده است. این در حالی است که اگر دو یا چند نفر به عنوان سبب در قرار دادن سنگ در کنار چاهی اشتراک داشته باشند و عابری در داخل چاه افتاده به اعتقاد فقها ضامن بر عهده هر دو نهاده شده و ظاهر در تساوی آن هاست. اگر چه کاری که انجام داده اند مختلف باشد (خمینی، بی تا: ص ۵۶۹). به عبارت دیگر در مورد نقش اسباب متعدد حکم مسئولیت هر دو پذیرفته شده است. لکن در فرض نقش برابر سبب مباشر مسئولیت به عهده مباشر نهاده شده است. (عالمیزاده، ۱۳۸۷: ص ۱۵۱).

برخی از فقهاء نیز در صورت برابر بودن درجه تأثیر سبب و مباشر، اقوی بودن را در مسئولیت مؤثر دانسته اند.^۱ (محقق داماد، ۱۴۰۶: ج ۲، ص ۲۳۸).

۳-۴. استناد جنایت به سبب یا مباشر

مراد آن صورتی است که در هر موردی که سبب یا مباشر اقوی باشد، جنایت مستند به اوست. فقهای امامیه معتقدند که طبق قاعده، مباشر بر مسبب مقدم است و تنها در فرض های چون جهل یا صغر یا بی اختیاری بودن مباشر، رأی به ضمان سبب داده شده است. (عاملی، ۱۴۱۳: ج ۱۵، ص ۳۸۰؛ نجفی، ۱۴۰۴: ج ۴۳، ص ۱۴۵؛ هاشمی در این باره معتقد است که مباشر ضامن است هر چند سبب با مباشر قصد همکاری داشته باشد.^۲ (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۳: ج ۳، ص ۲۶۰). فقها بر اساس قاعده اتلاف معتقدند مباشر مسئول است. (عاملی، بی تا: ج ۱۰، ص ۲۸۰؛ شوشتری، ۱۴۲۷: ج ۱، ص ۱۲۶؛ بجنوردی، ۱۴۰۱: ج ۲، ص ۲۶۳؛ هاشمی، ۱۴۲۶: ج ۳، ص ۶۷۳).

پس بر اساس قاعده اتلاف استناد جنایت بر مباشر است مگر اینکه سبب اقوی از مباشر

۱. «در مورد اجتماع مباشر و سبب، اقوا بودن هر يك موجب انتساب مسئولیت به او خواهد شد.»

۲. «إذا اجتمع مباشر و سبب في الإتلاف قَدَّم المباشِر علی السبب في الضمان و إن تعاونوا و قصدوا الاشترک في الإتلاف.»

نقش مباشر و سبب در ارتکاب جرم قتل * ۴۷

باشد که در این صورت سبب مسئول است.

۳-۵. اجتماع دو مباشر

اگر دو نفر با هم یکی را به قتل رساند در این فرض مسئولیت به عهده کسی است که اقوی است یعنی هر کدام از مباشر که قوی تر باشند ضمانت به عهده اوست و آن قوی تر مقدم است. مانند اینکه دو نفر باهم یک جنایت را مرتکب شده‌اند مباشر اول مجنی علیه را مجروح کرده به گونه‌ای که ذبح شده و مباشر دوم آن را کشته در این فرض قصاص بر عهده اولی است.^۱ (حلی، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۱۹۶). در این باره فاضل هندی معتقد است در صورت عارض شدن دو مباشر در ایجاد جنایت؛ هر کدام از آن دو تا مباشر قوی تر باشند او مقدم است و نسبت جنایت به او داده می‌شود و مسئولیت به عهده او است؛ مراد از اقوی آن فعلی است که عقل، عادتاً قتل را به او نسبت می‌دهد.^۲ (فاضل هندی، ۱۴۱۶: ج ۱۱، ص ۴۱). پس در فرض اجتماع دو مباشر مسئولیت به عهده مباشری است که قوی تر است و عادتاً جنایت به او نسبت داده می‌شود.

۳-۶. اجتماع اسباب

اگر دو سبب یا بیشتر برای فراهم کردن یک جنایت جمع شدند؛ نفر اول سنگ را در مسیر عبور مردم قرار داد و شخص دوم چاهی را در آنجا حفر کرد؛ شخص سوم که عابر است پایش به سنگ اصابت کرد و داخل چاه افتاد؛ در این صورت ضمانت به عهده نفر اول است که سنگ را گذشته است. چون مسئولیت به عهده کسی است که سبقت بر جنایت گرفته. اما اگر یکی چاقو را در داخل چاه قرار داد؛ دومی چاه را در مسیر حفر کرد و شخص سومی داخل چاه افتاد چاقو باعث مرگ او شد در این فرض مسئولیت به عهده حافر است.^۳ (همون، ج ۲، ص ۱۹۷). در

۱. «ولو اجتمع المباشرون مع مثله قدم الأقوی، فلو جرحه حتی جعله کالمذبوح و قتله الثانی فالقود علی الأول»،

۲. «في طریان المباشرة علی مثلها و یحکم بتقدیم الأقوی منهما و نسبة القتل إلیه... المراد بالأقوی ما یحکم العقل فی العادة باستناد الموت إلیه»

۳. «ولو اجتمع سببان ضمن من سبق سببه بالجنایة،... فالضمان علی واضع الحجر،... و لو نصب سکیناً فی بئر محفورة فی الطريق فوق إنسان فقتله السکین فالضمان علی الحافر.»

این باره شهیدثانی می نویسد این مسأله به چند صورت قابل تصور است:

۱. اگر جنایت در زمان واحد اتفاق افتاده باشد مسئولیت برعهده همه‌اند چون بخاطر عدم ترجیح.

۲. اگر جنایت در زمان تدریجاً واقع شده؛ در این فرض مسئولیت برعهده متقدم برتأثیر است؛ چرا؟ چون ذمه وی مشغول به مسئولیت است، پس اولویت به ضمان دارد او سبب سبب است، پس واجب می‌شود وجود مسبب در نزد او. ^۱(عاملی، ۱۴۱۳: ج ۱۲، ص ۱۶۴). بنابراین، از عبارت شهید ثانی برداشت می‌شود این مسأله به دو صورت قابل تحلیل است در صورت اول همه ضامن‌اند چون ترجیحی وجود ندارند. در صورت دوم فقط آن کسی ضامن است که اول سبب را ایجاد کرده است نه سایر اسباب؛ دلیل این مطلب اولویت است.

در این زمینه آیت الله خوئی معتقد است بنابر قول مشهور مسئولیت به عهده کسی است که در جنایت سبقت گرفته. البته این فرض قابل خدشه است چون اظهر این است که همه مسئول‌اند بله اگر یکی از این دو نفر در تولید جنایت تعدی کرده باشد پس ضمانت به عهده متعدی است. ^۲(خوئی، ۱۴۲۲: ج ۲، ص ۳۲۲).

پس در فرض اجتماع اسباب فقها اختلاف نظر دارند و مشهور مسئولیت را به عهده شخص اول داده که در تولید جنایت سبقت گرفته است ولی برخی بنابر قول اظهر همه را مسئول دانسته‌اند اما اگر یکی از آن‌ها تعدی کرده باشد در این صورت جبران خسارت به عهده متعدی است و تفاوتی نمی‌کند که نفر اول باشد یا دوم یا سوم و... و مهم تعدی است و نقش تعیین‌کننده در مسئولیت دارد.

۴. مبانی و مستندات فقها

فقهای امامیه در مورد مسئولیت اسباب به روایاتی استدلال کرده‌اند که از معصومین (ع)

۱. «بأن یجتمع سببان فصاعداً، ... فإن اتفقا فی وقت واحد اشترکا فی الضمان، لعدم الترجیح. و إن تعاقبا فالضمان علی المتقدّم فی التأثير، لاشتغاله بالضمان أولاً فکان أولى، و هو سبب السبب فیجب وجود المسبب عنده.»

۲. «لو اجتمع سببان لموت شخص، ... فالأشهر أنّ الضمان علی من سبقت جنایته، و فیہ إشکال، فالأظهر أنّ الضمان علی کلّیهما. نعم، إذا کان أحدهما متعدّياً، ... فالضمان علی المتعدّی»

نقش مباشر و سبب در ارتکاب جرم قتل * ۴۹

نقل شده‌اند که در این زمینه اشاره می‌شود

روایت اول: «مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ حَمَادٍ، عَنْ الْحَلْبِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ G قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الشَّيْءِ يُوضَعُ عَلَى الطَّرِيقِ فَتَمُرُ الدَّابَّةُ فَتَنْفِرُ بِصَاحِبِهَا فَتَعْقِرُهُ، فَقَالَ: كُلُّ شَيْءٍ يُضِرُّ بِطَرِيقِ الْمُسْلِمِينَ، فَصَاحِبُهُ ضَامِنٌ لِمَا يُصِيبُهُ.» (عاملی، حر، ۱۴۰۹: ج ۲۹، ص ۲۴۳، ح ۱۰۱)

این روایت معروف به صحیحیه حلبی است؛ پس سندش تمام است. راوی از امام صادق G سؤال می‌کند شخص چیزی را در راه مردم قرار داده و کسی که سوار مرکب بوده و مرکب رم می‌کند و صاحبش را به به زمین می‌زند و امام G فرمودند: هر چیزی که باعث ضرر و زیان مسلمین شود صاحبش ضامن است آن را جبران کند. پس مفاد این روایت تصریح بر مسئولیت سبب دارد.

روایت دوم: «عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ قَالَ: أَبُو عَبْدِ اللَّهِ G: مَنْ أَضَرَ بِشَيْءٍ مِنْ طَرِيقِ الْمُسْلِمِينَ فَهُوَ لَهُ ضَامِنٌ.» (عاملی، حر، همان: ج ۲۹، ص ۲۴۱، ح ۱۰۲) این روایت صحیحیه است و فقهاء تعبیر به صحیحیه کنانی دارد.

اما مفادش تصریح در مسئولیت دارد هر کسی که ضرری بر مسلمانان وارد کند ضامن است که جبران خسارت کند.

روایت سوم: «عَنْ زُرَّارَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ G قَالَ: قُلْتُ: لَهُ رَجُلٌ حَفَرَ بئْرًا فِي غَيْرِ مَلِكِهِ فَمَرَّ عَلَيْهَا رَجُلٌ فَوَقَعَ فِيهَا فَقَالَ: عَلَيْهِ الضَّمَانُ لِأَنَّ كُلَّ مَنْ حَفَرَ فِي غَيْرِ مَلِكِهِ كَانَ عَلَيْهِ الضَّمَانُ.» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۷، ص ۳۵۰، ح ۷؛ طوسی، ۱۴۰۷: ج ۱۰، ص ۲۳۰، عاملی، ۱۴۱۲: ج ۸، ص ۵۰۹).

این روایت مشکل سندی ندارد همان‌طور که فقها از آن به صحیحیه زراره یاد می‌کنند. اما از نظر دلالتی هم تصریح در مسئولیت سبب دارد هر کسی که در زمین غیر چاهی را حفر کند اگر کسی داخل آن بیفتد آن حافر ضامن است و باید جبران خسارت کند.

روایت چهارم: «عَنْ زُرَّارَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ G قَالَ: لَوْ أَنَّ رَجُلًا حَفَرَ بئْرًا فِي دَارِهِ ثُمَّ دَخَلَ رَجُلٌ فَوَقَعَ فِيهَا لَمْ يَكُنْ عَلَيْهِ شَيْءٌ وَلَا ضَمَانٌ وَلَكِنْ لِيُعْطَهَا.» (کلینی، ج ۷، ص ۳۵۰، ح ۶).

سند این روایت دوم زراره هم صحیحیه است و مشکل ندارد، اما از جهت دلالتی مطلبی را به گونه‌ی مطرح می‌کند که در ظاهر مسئولیت را از سبب بر می‌دارد. امام G می‌فرماید: اگر

کسی در منزلش چاهی را حفر کند و شخص دیگر وارد ملک آن شود، در حالی که سر چاه باز بوده و آن شخص داخل آن افتاده. در این صورت حافر مسئول نیست لکن سر چاه را باید بپوشاند. از مفاد این روایت برداشت می‌شود که عدم مسئولیت شاید به دو دلیل بوده: یک زمین در تملک حافر بوده دو سر چاه باز بوده و برای کسی که وارد ملک او شده قابل مشاهده بود. پس مسئولیت به عهده خودش است بی‌دقتی کرده نه سبب. البته اگر بدون رضایت صاحب منزل باشد که تصرف غضب کرده و حرام را مرتکب شده.

روایت پنجم: «عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى، عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ G عَنِ الرَّجُلِ يَحْفَرُ الْبُئْرَ فِي دَارِهِ أَوْ فِي أَرْضِهِ فَقَالَ: أَمَّا مَا حَفَرَ فِي مَلِكِهِ فَلَيْسَ عَلَيْهِ ضَمَانٌ وَأَمَّا مَا حَفَرَ فِي الطَّرِيقِ أَوْ فِي غَيْرِ مَا يَمْلِكُ فَهُوَ ضَامِنٌ لِمَا يَسْقُطُ فِيهِ. » (عاملی، ۱۴۰۹: ج ۲۹، ص: ۲۴۱). سند این روایت معتبره است همان‌طور که فقها تعبیر به معتبره سماعه دارد. اما مفاد این روایت دوبخش دارد دربخش اول امام G می‌فرماید: کسی که در منزل و زمین خودش چاهی را حفر کند مسئولیت ندارد دربخش می‌فرماید: اگر چاه را در مسیر مردم یا در ملک غیر حفر کند مسئول است.

پس دربخش اول ضمانت را از سبب بر می‌دارد بخاطر اینکه انسان حق هرگونه تصرفی در ملک خودش دارد لذا اگر کسی وارد حریم خصوصی افراد بشود خود او مسئول است نه صاحب ملک. دربخش دوم حدیث اشاره دارد سبب مسئول است بخاطر این که حفرکننده حق ندارد در راه مردم چاهی حفر کند چون ملک خودش نیست پس اگر کسی داخل چاه افتاد سبب مسئول است و باید جبران خسارت کند.

روحانی می‌نویسد: دسته‌ای از روایات صحیح‌ه گواهی می‌دهند که سبب مسئول است. (قمی، ۱۴۱۲: ج ۲۶، ص ۲۱۶). همین‌طور حائری معتقد است فی الجمله سبب ضامن است و خلاف در این مسأله میان فقها نمی‌بینم بخاطر مؤید حدیث نفی ضرر و خصوصاً نصوص

۱ . «مما يوجب ضمان الدية التسيب وهو في الجملة مما لا خلاف فيه، والنصوص المستفيضة الدالة عليه ويشهد به: جملة من النصوص كصحيح الحلبي... و صحيح الكناني... صحيح زرارة... و صحيحه الثاني عن الامام الصادق (ع)... و معتبر سماعه...»

نقش مباشر و سبب در ارتکاب جرم قتل * ۵۱

مستفیضه در این باره وجود دارند.^۱ (حائری، ۱۴۱۸: ج ۱۶، ص ۴۰۵).
بنابراین، سبب ضامن است منتها شقوق مختلف دارد که ممکن است در برخی موارد
مسئول نباشد که بحش گذشت و عنوان شد.

۵. نتیجه‌گیری

نتیجه این پژوهش این شد که فقهای امامیه در مبحث مباشر و سبب با توجه به ابعاد
مختلف آن دو (مباشر و سبب)، نظرات مختلف ارائه گردید. و به صورت قاعده کلی اگر مباشر
و سبب اجتماع کنند، مباشر ضامن است مگر اینکه مباشر جاهل باشد، در این فرض سبب
مسئول است. و در صورتی دیگر اگر سبب اقوی از مباشر باشد، سبب ضامن است. و اگر چند
مباشر اجتماع کنند، فقها معتقدند جبران خسارت به عهده مباشر قوی‌تر است. اگر اسباب
اجتماع کنند در این فرض فقها اختلاف نظر دارند برخی گفته‌اند مسأله به چند صورت قابل
تصور است در فرض اول همه مسئول هستند، چون ترجیح ممکن نیست. و در فرض دوم
مسئولیت به عهده کسی است که به تولید جنایت سبقت گرفته. مشهور فقها معتقدند که
مسئولیت به عهده کسی است که در ایجاد جنایت سبقت گرفته است. بنابر قول اظهر ضمانت
به عهده همه هستند مگر اینکه یکی از آن‌ها تعدی در جنایت کرده باشد، در این صورت
مسئولیت به عهده، متعدی است. مبانی و مستندات فقها در مسئولیت مباشر، قاعده اتلاف،
اتفاق و اجماع فقها هستند، چون بر اساس قاعده، هر کسی مسئول کار خودش است و نیز
در مسئولیت سبب مبانی و مستندات مهم فقها روایاتی است که از معصومین (ع) نقل شده‌اند
و آنان سبب را مسئول دانسته‌اند.

۶. منابع

۱. اصفهانی، حسین بن محمد راغب، (۱۴۱۲ هـ.ق). مفردات ألفاظ القرآن، در يك جلد،
چاپ اول، دار العلم - الدار الشامیة، لبنان - سوریه.

۱. «التسبیب و هو فی الجملة موجب للضمان، بلا خلاف أجده؛ للاعتبار المؤید بحديث نفي الضرار؛
مضافاً إلى خصوص النصوص المستفیضة الآتية فی المضمار.»

٥٢ * فصلنامه علمی نسیم کوثر / بهار ١٤٠٢ / شماره ٨

٢. آبی، فاضل، حسن بن ابی طالب یوسفی، (١٤١٧ هـ.ق). کشف الرموز فی شرح مختصر النافع، ٢ جلد، چاپ سوم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم.
٣. اصفهانی، فاضل هندی، محمد بن حسن، (١٤١٦ هـ.ق). کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، ١١ جلد، چاپ اول، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم.
٤. بجنوردی، سید محمد بن حسن موسوی، (١٤٠١ هـ.ق). قواعد فقهیه، ٢ جلد، چاپ سوم، مؤسسه عروج، تهران.
٥. جوهری، اسماعیل بن حماد، (١٤١٠ هـ.ق). الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربية، ٦ جلد، چاپ اول، دار العلم للملایین، بیروت.
٦. حلّی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن، (١٤١٨ هـ.ق). المختصر النافع فی فقه الإمامیه، ٢ جلد، چاپ ششم، مؤسسه المطبوعات الدینیة، قم.
٧. _____ (١٤٠٨ هـ.ق). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ٤ جلد، چاپ دوم، مؤسسه اسماعیلیان، قم.
٨. حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، (١٤١٠ هـ.ق). إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان، ٢ جلد، چاپ اول، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم.
٩. _____ (١٤١١ هـ.ق). تبصرة المتعلمین فی أحكام الدین، در یک جلد، چاپ اول، مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
١٠. _____ (١٤٢٠ هـ.ق). تحریر الأحكام الشرعیة علی مذهب الإمامیه، ٦ جلد، چاپ اول، مؤسسه امام صادق G، قم.
١١. _____ (١٤١٣ هـ.ق). قواعد الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام، ٣ جلد، چاپ اول، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم.
١٢. حلّی، فخر المحققین، محمد بن حسن بن یوسف، (١٣٨٧ هـ.ق). ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، ٤ جلد، چاپ اول، مؤسسه اسماعیلیان، قم.

نقش مباشر و سبب در ارتكاب جرم قتل * ۵۳

۱۳. حلی، شمس الدین محمد بن شجاع القطن، (۱۴۲۴ هـ.ق). معالم الدین فی فقه آل یاسین، دو جلد، چاپ اول، مؤسسه امام صادق G، قم.
۱۴. حلی، جمال الدین، احمد بن محمد اسدی، (۱۴۱۰ هـ.ق). المقتصر من شرح المختصر، در یک جلد، چاپ اول، مجمع البحوث الإسلامية، مشهد.
۱۵. حائری، سید علی بن محمد طباطبایی، (۱۴۱۸ هـ.ق). ریاض المسائل، ۱۶ جلد، چاپ اول، مؤسسه آل البيت (ع)، قم.
۱۶. خمینی، سید روح الله موسوی، (بی تا). تحریر الوسيلة، ۲ جلد، چاپ اول، مؤسسه مطبوعات دار العلم، قم.
۱۷. خویی، سید ابو القاسم موسوی، (۱۴۲۲ هـ.ق). مبانی تکملة المنهاج، ۲ جلد، چاپ اول، مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی ره، قم.
۱۸. شریف مرتضی، علی بن حسین موسوی، (۱۴۰۵ هـ.ق). رسائل الشریف المرتضی، ۴ جلد، چاپ اول، دار القرآن الکریم، قم.
۱۹. شوشتری، سید محمد حسن مرعشی، (۱۴۲۷ هـ.ق). دیدگاه های نو در حقوق، دو جلد، چاپ دوم، نشر میزان، تهران.
۲۰. صاحب بن عباد، کافی الکفاة، اسماعیل بن عباد، (۱۴۱۴ هـ.ق). المحيط فی اللغة، ۱۰ جلد، چاپ اول، عالم الكتاب، بیروت.
۲۱. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، (۱۴۰۷ هـ.ق). تهذیب الأحکام، ۱۰ جلد، چاپ چهارم، دار الکتب الإسلامية، تهران.
۲۲. عاملی، حرّ، محمد بن حسن، (۱۴۱۲ هـ.ق). هداية الأمة إلى أحكام الأئمة - منتخب المسائل، ۸ جلد، چاپ اول، مجمع البحوث الإسلامية، مشهد.
۲۳. عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، (۱۴۱۴ هـ.ق). غایة المراد فی شرح نکت الإرشاد، ۴ جلد، چاپ اول، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم.
۲۴. _____ (۱۴۱۰ هـ.ق). اللمعة الدمشقية فی فقه الإمامية، در یک جلد، چاپ اول، دار التراث - الدار الإسلامية، بیروت.
۲۵. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۴۱۴ هـ.ق). حاشية الإرشاد، ۴ جلد، چاپ

۵۴* فصلنامه علمی نسیم کوثر / بهار ۱۴۰۲ / شماره ۸

- اول، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم.
۲۶. _____ (۱۴۱۰ هـ.ق). الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية (المحشى - كلانتر)، ۱۰ جلد، چاپ اول، کتابفروشی داوری، قم.
۲۷. عاملی، سید جواد بن محمد حسینی، (بی تا). مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلامة، ۱۱ جلد، چاپ اول، دار إحياء التراث العربي، بیروت.
۲۸. عالمیزاده، محمد، (۱۳۸۶). حکم اجتماع سبب و مباشر در فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران، فصلنامه فقه و حقوق اسلامی، سال چهارم، شماره سوم، صفحات ۱۵۴-۱۳۹.
۲۹. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰ هـ.ق). کتاب العين، ۸ جلد، چاپ دوم، نشر هجرت، قم.
۳۰. فقعی، علی بن علی بن محمد بن طی، (۱۴۱۸ هـ.ق). الدر المنضود في معرفة صیغ النیات و الإیقات و العقود، در یک جلد، چاپ اول، مکتبه إمام العصر (عج) العلمیه، قم.
۳۱. قمی، سید صادق حسینی روحانی، (۱۴۱۲ هـ.ق). فقه الصادق G، ۲۶ جلد، چاپ اول، دار الكتاب - مدرسه امام صادق G قم.
۳۲. کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ هـ.ق). الکافی، ۸ جلد، چاپ چهارم، دار الکتب الإسلامیه، تهران.
۳۳. محمود عبد الرحمان، (بی تا) معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهیه، ۳ جلد، بی جا.
۳۴. مرعشی نجفی، سید شهاب الدین، (۱۴۱۵ هـ.ق). القصاص علی ضوء القرآن و السنة، ۳ جلد، چاپ اول، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی قدس سره، قم.
۳۵. نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، (۱۴۰۴ هـ.ق). جواهر الکلام في شرح شرائع الإسلام، ۴۳ جلد، چاپ هفتم، دار إحياء التراث العربي، بیروت.
۳۶. هاشمی، سید محمود، جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، (۱۴۲۳ هـ.ق). موسوعة الفقه الإسلامی طبقاً لمذهب أهل البيت (ع)، ۱۱ جلد، چاپ اول، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع)، قم.

نقش مباشر و سبب در ارتکاب جرم قتل * ۵۵

۳۷. _____ (۱۴۲۶ هـ.ق). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)، ۳ جلد، چاپ اول، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع)، قم.
۳۸. یزدی، سید مصطفی محقق داماد، (۱۴۰۶ هـ.ق). قواعد فقه، ۴ جلد، چاپ دوازدهم، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران.

